



ييشنهادهايي برای «شهروند» در سال تازه



این بناور م کنه روزنامه وزین «شنهروند» در بر این بستورم شــه روزنامه و رین انســهورمنا در سال ۱۹۳۳ سال ۱۹۳۳ پرادی را سپری کرد، تغوق رویکرد اجتماعی بر دیگر رویکردها و مشــی مشــفقانه و راهگشــایانه در طــرح مشــکلات و معضــلات اجتماعی، کنش غالــب و درخور توجه روزنامه در سال ۹۳ بود. پرداختن به مسائلی که درگیر و دار پرداختن بیشتر روزنامه ها به فعل و انفعالات دایره سیاست کمتر به چُشم آمده و کنشگران سیاسی و نخبگان جامعه کمتر بدان توجه کرده و گاهی ر حسون بست مخور سازی دید جامعه هم مغفول و پوشیده می ماند، هنر رسانه ای است که دغدغه مردم دارد و طبیبانه به مردم و جامعه و دردها و آلام آنان می نگرد.

ر از است و حرد سوره مها من می معرف همچنین دور ماندن از کشیمکش های رایج سیاسی و پاسداشتن شان و جایگاه جمعیت مربه عنوان نهادى عام المنفعه و كنشــگر ء ھلال احد فعــال در عرصه های ملــی و بین المللــی در ارایه خدمات امدادی و بشر دوســتانه فـــارغ از تعلقات سیاســـی و به گونهای بیطرفانه و بیغرضانه از دیگر ویژگیهای یکسال حضور در عرصه اطلاع رسانی

حضور هوشمندانه رسانه در حوزه حوادث و سـوانُح و پیگیــری کاســتیها و نارسـاییها در عرصمه مدیریت بحران رویدادی میمون و فرخنسده بسود، از این رو کسه رسسانه ای فراگیر و متعلق به یکی از ساز مان های موثـر در مدیریت بحران کشــور در این موضوع ورود کــرده و قصد آن دارد کــه به غفلــت رســانهای و اجتماعی در این بخُــش پایــان دهد. در ســالی که گذشـ ـب خبرهای حوادث و سـوانح و بهویژه اخبار حوزه امــداد و نجات قابل توجه بود و همچنین فرصتی را برای مدیران جمعیت فراهم آورد تا با بهره جستن از فضای رسانه دغدغهها و برنامههای خود را برای مسردم بازگو کنند. از این فرصت مغتنم به آمسوزش همگانی و فراگیر مردم ر نیز پرداخته شد، ولی آن چه شد، اگرچه ضروری بودولی به کفایت و پختگی لازمنرسید (البته شاید ر رای کمی قضاوتمان شتابزده باشید) فرصت کمتری بسرای نخبگان فراهیم آورد تا به نقید کنشهای امداد و نجات پرداخته شد، شاید یکی از علتها کمبود یا نبود خبرنگاران حرفهای در این عرصه بود، ولی می شــدبــا گــردآوردن مدیران، صاحب نظران و کنشگران عرصه امداد و نجات به حالش ها و مشکلات بیش رو برداخت و مدیران و چاره کردن مشکلات فراخواند. متاسفانه اغلب گزارشها حاکی از آن بود که امور به بهترین شــکل ممکن به انجام رســيده و هيچ مشــکل و

بابچههاحرفبزنيد مهارتهای زند گی، روشی برای مقابله با آسیب پذیری آموزشمهار تهاي زندكي مستمرو هميشكي است البرسين جلال

> معضلی وجود ندارد! درحالی که واقعیت غیر از این بود. برخی از گزارشات شبیه رپورتاژ آگهی بود و به یک گزارش تبلیغاتی سفارش روابط عمومی سازمان آگریت با مساهت دادست. در حالی که یک رســُانه بیشُ از آن که دغدغه سازمان و مدیران آن را داشته باشد باید دغدغه مردم و پاسداشت حقایق و واقعیتها را نیز داشته باشد، رسانه حنجره حقيقت گوى و چشم نگران و واقعبين

ر اکنون حاصل یکسال تلاش این رسانه پیش روی مسردم، مدیران و فعسالان عرصه پیش روی مسردم، مدیران و فعالان عرصه مدیریت بحران کشور قرار دارد، تأمل بیشتر در آنچه کردیم و آنچه باید می کردیم (و به دلایل گوناگون موفق به انجام آن نشدیم!) بهتریسنُ راهنماً و راهگشای ما در سال پیش روی است.

در سالی که گذشت کمتر از نکتهسن ریزبینی های خبرنگاران حوّزه امداد و نجات در روزنامه میشد رگههایی در گزارشات و مقالات رارر یافت. در مصاحبهها نیز سوالات جدی و چالش برانگیز راکمتر میشددید. در صور تی که عرصه امُدادوُنُجات وُفراتر از آنّ مديريتُ بحران كشُور عرصه پرچالش و سُــوالبرانگیزی است.قریبُ به ۸ســال از تصویب قانون تشــکیل سازمان مدیریت بحران کشــور میگذرد و تصویب این قانون را باید گامی بلند و رو به جلو دانست ولی متاسفانه تحول و تکاملی که باید در این حوزه شاهد آن باشیم، همچنان رخ نداده است. کار گروههای تخصصی چندگانه هنوز سامان لازم شاهد آن باشـ را نیافتیه و اغلب در تنگنای فقدان یا کاست اُهــداف، اخُـتيـــاراتُ، وظايف و از همــه مهمتر برنامههای مدون در سطوح ملی، منطقهای و

ر محلی روزگار می گذرانند. در بخــش هماهنگــی و فرماندهــی واحــد همچنان مشكلات گذشته يا برجاست و بهرغم

اختیارات قانونی سازمان مدیریت بحران از اعمال اقتدار و حاکمیت خود بر سازمانهای دخیل در مدیریت بحران ناتوان و فاقد ساز و کار های لاز ماست.

سازو دارهای لازم است. در عرصه امداد و نجات نیز چالشهای موجود بسیار قابل تأمل و جدی است، با وجود تأکید و تصریح قانونی در طرح جامع امیداد و نجات بر محوریت جمعیت هلال احمر در مدیریت ۔ بتلزم طراحی برنامہ ہای عملیاتے ، طراحے ، های فرماندهی برای کنترل و هدایت هوشــمندانه میدان و هدایت و بســیج دقیق منابع است، همچنین برای اجرای موثر عملیاتهای تخصصی امداد و نجات بکار گیری تیمهای تخصصی برابر استانداردهای جهانی یک ضرورت غیرقابل انکار است. پشتیبانی موثر از عملیات در دو بخش کلان امداد (فراهم آوری ب، غــناو ســر پناه) و جســتوجو و نجات نيز ســتلزم به كار بســتن تدابير دقيــق و ويژه در بخشهای گوناگون لجستیکی است. بس ز ساختارهای تشکیلاتی براساس وظایف و

مامور بتهاشکل نگرفتهاست. ستیهای موجُسود در همه ایسن اموری که شــرح آن رفت جدی و قابل تأمل اســت. در بسیاری از حوزه ها ابزار جدیدو گرانقیمتی فراهم آورده شده ولی این ابزار و امکانات با رویکردهای سُنتی و سازوکارهای غیرعلمی هیچ سنخیتی نداشــته و فاقد کارآیی لازم اســت. یادگیری و به کار بستن روش های جدید مستلزم آموختن و نمی توان با آموختههای گذشته و دانش اندک اُز پیشرفتهای روزآمد در عرصه امداد و نجات بهره جست.

۰٫۰۰۰ نمامی این امور در رسانه میتوان پرداخت وبابهره گیری از توان علمی صاحب نظران

نه تنها راهکار و راهبر دهای لازم را نشان داد بلکه سرورت آنها را به مدیران ارشد سازمان گوشزد

۔ خـش دیگـری کـه رسـانه می توانسـت مندانه به أُن بپردازد، بخش آموزُش بود، آموزش همواره یکی از بهتریسن راهبردها برای توانمندسازی مردم و مدیران است. آموزش فراگیر همگانی فراتر از یک ضرورت یک وظیفه ملّی و سازمانی اسّـتُ، امروز دُر ُحوزه حوادث و سوانح، آگاهی توانمندی اسـت و توانمندی از یبپذیری جامعه به گونه موثری می کاهد، در این بخش روزنامه «شــهروند» ورود ه از فقمدان برناممه و طرحي ممدون و رويكردي هُوشمندانهمي كرد.

. آمــوزش فراگیر امدادگــران، مدیران میدانی و مدیسُران میانسی عرصمه خوب دیگسری بود که متاسیفانه روزنامه «شیهروند» از آن غفلت کرد، غفلتــی که گریبانگیر نشــریات گوناگون داخلی جمعیت نیز هســت. اختصاص ســتون یا ســتونهایی برای ارایــه مباحث تخصص ۔ صصی برای جمع بزرگ مخاطبان این بخش می توانست بسیار اثر بخش باشد. دنیای ب سان می و سست بسیر عرب سن بست سید ار تباطات مدرن ارزش خبرها را در حد دقایق و ساعتهافرو کاسته است، حالا در این میان چاپ خبر با تأخیر ۲۴ ساعته یا بیشتر کمتر جذاب و جالباست،اماارایه تحلیلهای تخصصی وویژه و همچنین مطالب آموزشی می تواند اثر بخش تر

فکر می کنم روزنامه «شهروند» در سال ۹۴ باید به دنبال تثبیت و گســترش موقعیت خود در عرصه اطلاع رســانی حوادث و سوانح کشور باشد. برای همه خوانندگان، کارکنان و مدیران · شهروند در سال جدید اَرزوی بهروزی و شاد کامی دار م.

«طرحنو»؛ در انداختن طرحينو

روزنامیه «شیهروند» با کادری جوان و ررز کار کشسته، در اندک زمانی توان خویش, ادرمیان, وزنامههای استخوان دار و خُوشناُم باُز كند و جايگاهش را به عنوان یکی از پرخواننده ترین روزنامه های کشور

ایے روزنامہ ہے بکار گیے ری نیروھایے حرفهای و خوشفکر و البته با بهره گیری از تجربههای رسانهای پربار توانست در کوتاهزمانی در برخی زمینهها نوآوریهای ماندگار و ارزشـمندی در تاریخ رسانهای کشور برجای گذارد.

یکسی از این نوآوریها، بخسش این روزنامه یعنی صفحههای ۹ تا ۱۲ این روزنامه است. بخش «طرحنو» با بازگشایی پروندههایی از جستارهای اجتماعیی، نرر فرهنگی، زیست بومی، آموزشی، بهداشتی، هنسری و ... توانسته کارهای درخشسانی به یادگار بگــنارد و خــود را به عنوان یکی

ز پرخوانندهتریسن بخشهای روزنامه بشناساند خبرنگاران . این بخش با بکارگیری ۔ گفت و گو ها يــی . کنشـگران نهادهـای و زیستمحیطی و کارشناسان نامآور بهداشــتی و هنــری و... در برخی زمینهها سطح گفتمان اجتماعی فرهنگی را بالا برده و در

ین راستا خدمتی ارزنده ناگفتــه پیداســت کے جےای صفحے ای

اندیشهای- دسـتکم یکبار در هفته- د سیسه ای دست کم یکبار در هفته - در میان صفحههای پر بار آن خالی است، اما گویا تصمیم گیرنـدگان روزنامه با هدفی خودخواسته و از پیش برنامهریزی شده و رپیس برده (پری اندیشگی و در پی ورود به جسـتارهای اندیشگی و فلسـفی نبودهاند-گرچه به باور نگارنده با شناختی که از دســتاندر کاران «طرحنو» دارد- بی گمــان توانایــی موردنیــاز برای ورود بــه این گونــه بحثهــا را داشــته و می توانســـتند و می توانند به خُوبی از پس چنین کاری برآیند. امــا به گمان نگارنده، ت روزنامه «شهروند» و تلاشگران بخش اطرحُنـُوا أن، بـازُ كـردن درهاي گفتوگــو بــا طبقه متوسـطُ و با سـُ روزنامهخوان بوده و هدفش از پدیدآوری ــترش گفتمــان اجتماعي-فرهنگی درمیان طبقه یاد شده است که تا اندازه زیادی-نسبت به روزنامه خوانان

ایران-در این راه کامیابیهای شایســته و رس البته الرسمندي را بهدست آورده است. البته البته البته البته البته المالية المالية البته این امکان را داده اُست تا آنها به انتشار دلنوشته هایی دلنشین دست یازند و از این رهگذر صفحهای پرکشـش و پُرخُواننده آفریدهاند. اگر نخواهیم از شایستگیهای روزُنامه «شــهُروندُ» و بخــُش «طرحنو» آن رور بهآسانی بگذریم، نباید بر صفحهآرایی زیبا و عکسهایی کـه هنرمندانه در صفحهها ۔ جاگیر شـدهاند، چشم بپوشــیم، بهویژه هنگامــی کــه گردآیــهای پروندهماننداز عکسها، چشمهارانوازش و جان را تازگی می بخشد و البته گاهی نیز بنا به موضوع قلب را به تپش می انداز دو می آزار د.

ہے۔ بے ہے روی امیدواریے درسال تازہ براری چشمان به نوآوریهای دیگری در بخش طرحنو روشن شود. در پایان خاطرهای بهیاد ماندنی، درسی آموختنی و شاید پیشنهادی پذیرفتنی! در واپسین هُفته های سال به همراه دو تن از دوستان

به دیــدار دکتر عزتالله

از نزدیک، شــورآفرین

و دلنواز. بــرای نگارنده،

ديدار با چنين انسان

و به یاد ماندنیی بود اما

يادآوري اين خاطره

سر پر سستان «طرحنسو»

یادآور شـود کـه تهیه

گــزارش، گفتوگــو يا

بزرگانی از نزدیک و البته از دریچهای

خُودمانی تــُر کَــه برای هر کــس امکانش وجود

وارستهای ارزشم

فولادوند رُفتيم، ديداري اگرنخواهیمازشایستگیهای روزنامهشهروندوبخش «طرحنو»آنبهآسانیبگذریم، ری رس. نبایدبرصفحهآراییزیباو عكس هايي كه هنر مندانه درصفحه هاجا گیرشدهاند، ېپوشيم.بەويژەھنگام. چسم,پپوسیم,بدویر ستت. که گردآیهای پروندهماننداز عکسها،چشمهارانوازش وجان را تازگی می بخشدو البته گاهی نیز بنابه موضوع قلبرابه تيشمى اندازدو مى آزارد بەھرروى اميدواريم درسال تازه جاری چشممان به نو آوری های دیگری در بخش طرحنوروشنشود ندارد، افزون بر این که

بےزرگان ایے ان گرامی را به خواننـدگان می شناسـاند، می تُوان زمینهای شــود بــرای آمــوزش و پرورش نُسْلِهَاي آينُده تُسَابًا چِسْراُغ تَجُرْبُهُهُاي این بزرگان، به راههای نرفته آینده نوری "ای ارکز تابانده شـود و امکان می دُهد تـااز گرماو در خشش تک ستار گان میهن در شکوفایی آیندهمان یاری بجوییم. در پایان برای همه کارکنان روزنامه ارزشـمند «شـهروند» و بهویژه دســتاندرکاران بخــش «طرحنو» . ریر پهترینها را آرزو کرده و امیدوارم در راهی کـه میپیمایند، هر روز بیش از گذشــته تجربه بهدست آورند و برای هرچه پر بار کردن روزنامه و جامعه تلاش کنند. سرد هنرمند هنرپیشه را/ عم

رب بایست در این روز گار / تا به یکی تجربه اندوختن/وآن دگری تجربه بردن به کار نوروزتان پیــروز، روزهایتـــان بهروز و دلهایتان مهرافروز باد.



اینها همه باعث می شود که اولاخودمان بدانیم که ما مشکلاتی داریم و دوما برای حل این مشکلها چه راهکارهایی باید داشته باش در همه کشورها همین روند دنبال می سود. در همه کشورها همین روند دنبال می شود. رسانه ها و روزامه نگاران مسالزا جتماعی را مطرح می کنند تا قبل از این که این مساله تبدیل به آسیب یا بحران شود، برای رفع و حل متاسفانه امروز در جامعه ما بیشتر شاهد سيبهاى اجتماعي هستيم تامسائل اجتماعي.

آن اقدامی صورت گیرد. در جامعه ما هم همین وظیفه وجود دارد؛ روزنامه نگاران باید با پرداختن

ه این موضوعات هشدار بدهند که اگر به این ... مائل پرداخته نشود، تبدیل به آسیب خواهد

بااين حال انعكاس صحيح وبى طرفانه وبىغرض باین خان معنای همچنج وی طرفاندوی عرفی م مسائل سبت شدار داندان به جامعه و ریشت بایی کردن مسائل از طریق مصاحب با صاحبنظران، برگزاری نشست و میزگردهایی با حضور چندین صاحبنظر کارهای زیادی از این دست می تواند در فری بهبود مسائل و آسیبها در جامعه تاثیرگذار اشُد. رسانه ها در کنار این فعالیت ها باید . نهادهای مختلف و مسئول در تصمیم گیری هارا به چالش بکشند و آنها را مجاب به پاسخگویی ب پسس بسست و بهار حب ب پستویی کنند زیرا مطرح کردن و بیان جزیبات ریشهای و علت یابی مسائل اجتماعی به تنهایی کافی ر نیست. این اقدام باعث می شود نهادهای اجرایی بعداز مدتی به این فکر بیفتند که باید پاسخگوی

ر ۱۰ مردم متاسفانه در این سالها نسبت به مطبوعات چاپی کهاقبال شدهاند چون اغلب رراز سایتها و وسایل ارتباط جمعی جدید دریافت می کنندو شاید دیگر احتیاجی به خرید و خواندن روزنامه نمی بیننگد. روزنامه ها امروز مخاطبان خاصی دارند که هنوز به خواندن کتاب و روزنامه عادت دارند. با این حال اگر مردم بدانند که رسانهای واقعا میخواهد برایشان کاری کند و درجهت مشکلاتشان اقدام کند، چهبسا میل بیشتری برای خواندن و مشار کت داشته باشند. روزنامه شهروند می تواند مشار کت و نظر مردم را در مورد بحث های مطرح شده بطلبد و بسیار هم مفید خواهد بود که تصمیم گیران، تصمیم سازان و ناظران اجتماعی بدانند مردم نسبت به مسائل ر کریں۔ و آســیبهای اجتماعی چه طرز فکر و شــاید راهحلی در ذهن دارند.





راهعبور از آسیبهایاجتماعی

پرداختــن به آســیبها و مســائل اجتماعی جزو عناصر اصلی اصلاح در جامعه اســت؛ اما به . شرطّی که مابپذیریم که آسیبی در جامعه وجود دارد. من اگر بپذیرم که مریض هســـتم به دکتر مراجعه می کنم و امکان معالجه و درمان را برای روز به روز رشدمی کند و در بدن پخش می شود و چه بسا در شرایطی قرار گیرم که درمانی وجود نُداشته باشُـد یا حتی جُان خُودم را هم از دستُ بدهم. نگاه ما به آســیبهای اجتماعی هم باید همین طور باشد؛ یعنی بدون هیچ گونه سانسور و معذوریتی آسیبها را ریشه یابی و سعی کنیم اُنها را همان طور که هستند مطرح و سعی کنیم کارشناسانی از همه حوزههای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حوزههای رفتاری را در بررسی آسیبهامخاطب قرار دهیم و از ر ادر بررسی استیبهای مخطط بوار دهیم و از آنها نظر بخواهیم، تر کیبی از این اظهارا نظرها را منعکس کنیم و به گوش دولتمردان برسانیم و چگونگی تصمیم گیری در شــرایط جدید را مطرح کنیم.